

مبانی سیاسی امام خمینی علیه السلام از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

مقدمه

امام خمینی علیه السلام را به حق می‌توان یکی از شخصیت‌های نادر معاصر دانست که بسیاری از اندیشمندان جهان بدان اذعان دارند. دکتر مصطفی ایوب^۱ درباره رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «بنده معتقدم که تاریخ، امام خمینی علیه السلام را به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت جهانی قرن بیستم معرفی خواهد کرد؛ زیرا او فردی بود که هم نبوغ سیاسی و هم نبوغ دینی داشت».^۲ او در ادامه بیان می‌دارد: «من بر این باورم که از لحاظ قدرت فکری، امام تنها یک فرد یا پدیده فردی نبود، بلکه یکی از سازندگان تاریخ بود».^۳

احمد هوبر^۴ می‌گوید:

هنگامی که من از سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ (۱۳۵۶ - ۱۳۵۷) به مطالعه درباره امام خمینی علیه السلام به‌ویژه از منابع ایرانی شروع نمودم، به طرز عجیبی شگفت‌زده شدم؛ چراکه امام خمینی علیه السلام اولین رهبر مذهبی در قرن ماست که انقلابی را به وجود آورد که هم‌زمان سه وجهه مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در خود جمع کرده بود. تمام انقلابیون قرن ما نظیر لنین، مائوتسه تونگ یا آدولف هیتلر و موسولینی، یک انقلاب سیاسی و اجتماعی را به وجود آوردند؛ اما چون آنان بویی از مذهب نبرده بودند، راه و روش‌هایشان امروزه کهنه شده و طرف‌دارهایشان به پایان خط رسیده‌اند؛ ولی امام

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. دانشمند مسلمان آمریکایی و مسئول گروه مطالعات ادیان در دانشگاه تامبل آمریکا.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا، «امام خمینی علیه السلام از منظر دانشمندان جهان»، ص ۱۴.

۳. همان.

۴. اندیشمند مسلمان اهل سوئیس.

خمینی علیه‌السلام اولین رهبر مذهبی است که دین، سیاست و فرهنگ را یک جا به کار گرفته و به همین دلیل نیز ادامه خواهد یافت.^۱
 بیان برخی از نمونه‌ها از باب این است که:
 خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
 گفته آید در حدیث دیگران

یکی از روش‌های شناخت شخصیت‌ها، شناخت ایشان از زبان دیگران است؛ از این‌رو در بررسی شخصیت امام علیه‌السلام، لازم است پای سخنان کسانی نشست که به گونه‌ای انیس و مونس ایشان در جریان مبارزات علیه نظام طاغوتی و نیز در طول انقلاب اسلامی همراه او بودند و با تفکر ایشان آشنا هستند.

مقام معظم رهبری یکی از این افراد هستند که افزون بر همراهی از ابتدای نهضت امام علیه‌السلام با ایشان، تربیت‌شده این مکتب هستند.

مقام معظم رهبری به‌حق معتقد است حضرت امام خمینی علیه‌السلام همه ویژگی‌های نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها به‌ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، با هم داشت و با این ویژگی‌ها توانست تخت فرعون‌های زمانه را بلرزاند، دل مستضعفان را به نور امید روشن کند، جهان اسلام را به حرکت درآورد و به انسان‌ها بفهماند که انسان کامل شدن، علی‌وارزیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش‌رفتن، افسانه نیست.^۲

در بیانی دیگر ایشان، یاد امام خمینی علیه‌السلام را یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران می‌داند؛ چراکه یادآور اسوه‌شدن و قدوه‌شدن ملت ایران برای همه امت اسلامی و ملت‌های مستضعف است^۳ و آرمان‌ها و آرزوهای امام خمینی علیه‌السلام، امروز از هر چیز دیگر زنده‌تر است و دنیا هم از آنها می‌ترسد.^۴

ایشان علت ماندگاری این راه و موفقیت امام در تحقق اهداف‌شان را اخلاص بیان می‌دارند:

۱. عبدالکریم پاک‌نیا، «امام خمینی علیه‌السلام از منظر دانشمندان جهان»، ص ۱۴.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۸۷، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>

۴. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار وزیر دفاع و جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و وزارت دفاع، ۱۸/۳/۱۳۶۸، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2081>.

امام آن کاری که کرد - و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص، اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای اینکه این کارها را پیش ببرد، کافی نبود.^۱ به درستی می‌توان امام خمینی علیه السلام را یکی از مصادیق این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه دانست:

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ وَ اَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِاَبْدَانٍ اَزْوَاحِهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛ أَوْلَيْتِكَ خُلُقَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ؛ آه، شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ:

آنان با نور دانش به حقیقت ادراک و بصیرت رسیدند و جوهره یقین را با جان خود دریافته‌اند و آنچه را که بر افراد رفاه‌طلب دشوار می‌نمود راحت و آسان گرفته و با آنچه که ناآگاهان از آن بیم داشتند مأنوس شدند. با بدن‌هایی همنشین دنیا گشتند که روح‌های آنها به [قله‌های رفیع] عالم ملکوت پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین او و دعوت‌کنندگان مردم به سوی دین اویند. آه، آه، چقدر مشتاق دیدارشان هستم.^۲

بیان این نکته در این میان قابل توجه است که شخصیت امام خمینی علیه السلام مانند بسیاری از بزرگان مؤثر در تاریخ، دارای ابعاد گوناگونی بود که هرازگاهی بُعدی از ابعاد آن شخصیت ممتاز تاریخی مشخص می‌شود. ایشان افزون بر اینکه در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و ... دارای مبانی خاصی بودند، در مباحث سیاسی نیز با تکیه بر معارف و اندیشه اسلامی خود دارای مبانی خاصی بودند که این مبانی را می‌توان در رفتارهای سیاسی ایشان مشاهده کرد. در این نوشتار به بُعد سیاسی و به گونه‌ای مبانی و اندیشه‌های سیاسی ایشان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌ایم.

به طور کلی می‌توان اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را در این کلام ایشان دانست: «در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه کشورها، به‌جز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند؛ مبارزه با صهیونیسم؛

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۹/۵، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2860>.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۴۷.

مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان».^۱

۱. ایمان به مردم

مقام معظم رهبری مهم‌ترین اصول و قواعد کار امام خمینی علیه‌السلام را در اسلام و مردم خلاصه می‌کند و منشأ اعتقاد به مردم را نیز از دین اسلام می‌داند.^۲ بر اساس همین اندیشه بود که ایشان را به میدان پیروزی این انقلاب و نهضت آوردند. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «مهم‌ترین کاری که امام بزرگوار ما کرد، این بود که به انگیزه‌ها و احساسات مردم میدان داد؛ حضور مردم را ممکن کرد».^۳

ایشان در جمع عالمان و روحانیان تبریز در مردادماه سال ۱۳۷۲ در وصف امام علیه‌السلام این‌گونه می‌فرمایند:

بنده عمرم با علما و بزرگان و قشرهای مختلف روحانی گذشته است؛ اما احدی را ندیده‌ام که این قدر به مردم خوش‌بین باشد و در مردم مایه‌ها و جوهر رشد سراغ داشته باشد. آن ایمانش به خدا بود و آن ایمانش به مردم "یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین"^۴.
همچنین در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۴۰۰ از اعتقاد امام علیه‌السلام به مردم این‌گونه بیان می‌دارند:

امام بزرگوار به مردم خیلی اعتقاد داشت؛ به توانایی‌های مردم، به عزم مردم، به وفاداری مردم و ما خاطره‌ها داریم [از این]، ایمان عجیب ایشان. یعنی سال ۴۱ که همان اول شروع نهضت [بود]، امام در درس یک روز بحث را کشاندند به مسائل سیاسی و همان

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۹۲، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22788>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۸۲، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3180>.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۷/۱۲/۱۳۸۰، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>.

۴. احمد بن محمد بن خالد بَرَقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۱.

۵. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در جمع علما و روحانیون تبریز، ۵/۵/۱۳۷۲، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4010>.

مسئله جاری، اشاره کردند به بیابان قم و گفتند اگر ما دعوت کنیم، مردم این بیابان را پُر خواهند کرد. سال ۴۱ که هیچ کس تصوّر نمی‌کرد که بتوان مردم را در یک چنین حرکتی همراه کرد و وارد کرد.^۱ مردم در چشم امام علیه السلام، مالک کشور^۲ و اصل اساسی^۳ بودند.

۲. تلفیق جمهوریت و اسلامیت

پیوند جمهوریت و اسلامیت یکی از نوآوری‌های امام خمینی علیه السلام بود که در فصل نوبی نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای دنیای اسلام در تجربه یک الگوی سیاسی متفاوت با آنچه در گذشته تجربه شده بود به شمار می‌آید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

امام این دو کلمه جمهوریت و اسلامیت را گره‌گشای مشکلات کشور می‌دانست. گره‌گشای همه مشکلات کشور را همین می‌دانست که ما اسلام را رعایت کنیم و مردم در صحنه حضور داشته باشند؛ نظر امام این بود. اینکه ایشان فرمود "نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد"، یک کلمه کم یعنی جمهوریت بدون اسلامی یا اسلامی بدون جمهوریت؛ این معنا ندارد. امام [فرمود] جمهوریت اسلامی. یعنی حاکمیت اسلام و حاکمیت مردم که اینها با همدیگر درهم‌اند و با هم هیچ‌گونه منافاتی ندارند. حاکمیت اسلام یعنی محتواها و ارزش‌ها و جهت‌گیری‌ها را اسلام معین می‌کند. حاکمیت مردم، یعنی شکل اداره حکومت را مردم تشکیل می‌دهند. حاکمیت اسلام، حاکمیت

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>.

مقام معظم رهبری: «از جمله مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومت‌های استبدادی بر زبان جاری می‌کردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی می‌کردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند».

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2623>.

مردم؛ ارادهٔ مردم مؤثر، احکام اسلام هم دارای تأثیر، این را امام مشکل‌گشا [می‌دانست]؛ واقع قضیه هم همین است که گره‌گشای همهٔ کارهای کشور همین است.^۱

مردم‌سالاری در اندیشه امام^{علیه‌السلام} نیز سرچشمه‌ای دینی و اسلامی داشت:

نقشهٔ امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود؛ مقدمه لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود ... در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکتهٔ اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است: یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت - که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است - باید در چارچوب شریعت اسلامی باشد. این دو بخش است یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.^۲

در کنار باور به مردم، خود نیز با ایشان صادق بود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «[امام خمینی^{علیه‌السلام}] با مردم صادق بود، با مردم همان‌جوری سخن می‌گفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار می‌کرد».^۳

بر اساس همین مبانی اندیشه حضرت امام خمینی^{علیه‌السلام}، اصل صدوهفتادوهفت قانون اساسی دو عنصر اسلامیت و جمهوریت را عناصر بدون تغییر نظام سیاسی موجود معرفی کرده است. اراده جمهور ملت در جریان انقلاب، نظم کهن را فروریخت و نظامی نو جایگزین آن کرد. اراده‌ای که در نظم نوین و بر اساس قانون اساسی، سامان حیات سیاسی را رقم زد و جمهوریت خود را معطوف به اسلامیت کرد. تا زمانی که چنین اراده و چنان جمهوری قوام و دوام داشته

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی^{علیه‌السلام}، ۱۴۰۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست‌وپنجمین سالگرد رحلت امام خمینی^{علیه‌السلام}، ۱۳۹۳/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی^{علیه‌السلام}، ۱۳۹۸/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>.

باشد، قانون اساسی و اصول و محتوای اسلامیت آن تضمین حیات و بقا به خود می‌گیرد. بر اساس اصول قانون اساسی هم ابتدای نظام سیاسی جدید و هم جریان امور و سازوکارهای آن منبعث از منطق و روح جمهوریت است. اصول ۵۶، ۵۷، ۶، ۷ بند ۸ اصل ۳، ۱۷۷ و ... مبین منطق جمهوریت و مردم‌سالاری است. در صورت‌بندی جمهوری اسلامی اگر اصل جمهوریت را اصلی ماتقدم و بنیادین هم ندانیم و برای آن قائل به موضوعیت نباشیم، دست‌کم جمهوریت برای اسلامیت طریقت دارد و در این حالت نیز قوام و بقا اسلامیت از منظر امام، نظام وابسته به جمهوریت آن است.

۳. آینده‌نگری به مسائل سیاسی

آینده‌نگری، توانایی تصور و برنامه‌ریزی برای آینده است. این امر دربرگیرنده پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو و اتخاذ تصمیم‌هایی است که می‌تواند در بلندمدت نیز دارای فواید و آثار زیادی باشد.

آینده‌نگری کمک می‌کند با آمادگی قابل توجهی با اتفاقات پیش‌رو روبرو شد و با موانع کمتر غیرمنتظره در رسیدن به هدف مواجه شویم. به طور کلی آینده‌نگری و تدبیر لازمه مدیریت انسان در امور فردی و اجتماعی است و انسان بدون آن در زندگی کامیاب و موفق نخواهد شد.

در روایتی امام علی علیه السلام، رمز پیروزی و موفقیت در امور را، آینده‌نگری بیان می‌کنند. امام علیه السلام می‌فرماید: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ: پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی به جولان اندیشه و اندیشه به نگاه‌داشتن اسرار است»^۱ که در بخش نخست این روایت پیروزی را در گرو تدبیر و آینده‌نگری می‌دانند. «حَزْم» به معنای دوراندیشی و مطالعه عواقب کار یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی است؛ زیرا افراد سطحی‌نگر که گرفتار روزمرگی هستند، در برابر حوادث پیش‌بینی نشده به‌زودی به زانو در می‌آیند و رشته کار از دست‌شان بیرون می‌رود و شکست می‌خورند.

همچنین امام علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَخَذَ بِالْحَزْمِ اسْتَظْهَرَ وَمَنْ أَضَاعَ الْحَزْمَ تَهَوَّرَ: کسی که حزم و دوراندیشی بگیرد، پیروز می‌گردد و کسی که آن را ضایع کند، به هلاکت می‌افتد»^۲.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۸.

۲. عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم، ص ۴۵۷، ح ۱۰۸۷۰.

مقام معظم رهبری درباره آینده‌نگری امام خمینی علیه السلام در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر در بهمن ۱۳۷۷ بیان می‌دارند: «مردی بودند بسیار هوشمند و آینده‌نگر. هوشمندی امام، آینده‌نگری امام و قدرت تشخیص قدم‌های بعدی در امام بسیار بالا بود. ایشان پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند».^۱

۴. سازش‌ناپذیری

امام خمینی علیه السلام از جمله افراد نادری بود که با صلابت و استواری در برابر همه کژی‌ها و انحراف‌ها ایستاد و سر سوزنی از صراط مستقیم الهی فاصله نگرفت. خشونت دشمن، تبسم دوست و دوچهره‌گی منافق، هرگز در بینش نافذ او اثر نکرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی سازش‌ناپذیری امام علیه السلام را این‌گونه شرح می‌دهد که آن حضرت به محض ورود به کشور، همه خطوط سیاست جمهوری اسلامی را روشن کرد و اعلام نمود حکومت تشکیل خواهد داد؛ در حالی که آن روزها هنوز رژیم شاهنشاهی، مجلس فرمایشی، ارتش شاهنشاهی و ادارات دولتی بودند. در همان روز نیز اعلام کرد سیاست استعماری و سلطه‌گری آمریکا در منطقه تمام شد.^۲

قاطعیت امام علیه السلام فقط در مقابل امریکا، رژیم شاه و دشمن بعثی خلاصه نمی‌شد، بلکه ایشان نفوذی‌ها، منافقان، متحجران و مقدس‌مآبان را نیز به خوبی می‌شناخت و چهره آنها را آشکار می‌کرد. جمله معروف آن حضرت که «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ‌کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است»^۳، نشان از سازش‌ناپذیری آن حضرت داشت. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «زمانی ایشان ناراحتی قلبی پیدا کردند؛ ما به‌شدت نگران بودیم. وقتی خدمت‌شان رسیدیم، ایشان در آن وضعیت ما را به پایداری در این راه سفارش کردند و فرمودند: قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید **أَشِدَّاءُ عَلَى**

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خاطرات و حکایت‌ها، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۶.

الْكَفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ^۱ و اگر با هم باشید، هیچ کس نمی تواند به شما آسیبی برساند^۲.

سازش ناپذیری می تواند خود را در قالب شجاعت در برابر خواسته های دشمن و زیاده خواهی های او نیز بروز دهد. امام علیه السلام از شجاعت و صف ناپذیری در برابر دشمن برخوردار بود و با همین خصلت بزرگ در برابر همه ناملازمات با قامتی به استواری کوه می ایستاد. این جمله امام که «والله، تا حالا نترسیده ام»، نشان از شجاعت و صف ناپذیر مردی بزرگ است که روزگار به داشتن چنین انسانی به خود افتخار می کند. حضرت امام خامنه ای اعتقاد دارند شجاعت امام نه تنها دوستان را شیفته آن حضرت، بلکه دشمنان را نیز به ستایش واداشت. روح شجاعی که امام در مسلمان و ملت ها دمید، سبب شکسته شدن ابهت ابرقدرت ها شد. ایشان شجاعت امام علیه السلام را این گونه ترسیم می نماید: «او بت ها را شکست و باورهای شرک آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی وارزیستن، افسانه نیست. او به ملت ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه سلطه گران انداختن ممکن است»^۳.

مقام معظم رهبری در بیانات خود در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام در خرداد ۱۳۹۸ می فرمایند:

یک خصوصیت از خصوصیات ناب امام خمینی علیه السلام "مقاومت" است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوت ها امام مقاومت خودش را به رخ همه دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی ها خسته شدند، خیلی ها مشرف به ناامیدی شدند؛ اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذره ای عقب نشینی در راه مبارزه ایستاد که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه جانبه تر در

۱. فتح: ۲۹.

۲. سید علی حسینی خامنه ای، حدیث ولایت (مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. سید علی حسینی خامنه ای، پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۳، در:

مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد.^۱

این بیان نشان از مقاومت امام علیه السلام در زیاده‌خواهی‌هایی بود که دشمنان داشتند و امام علیه السلام ذره‌ای حاضر به عقب‌نشینی از اصول و مبانی خود نشدند.

۵. جدایی‌ناپذیری دین و سیاست

یکی از محورهای اصلی تبلیغاتی استعمارگران در قرون اخیر، طرح «جدایی دین از سیاست» بوده است. آنها با استفاده از تبلیغات دروغین، کوشیده‌اند دین اسلام را از حوزه سیاست جدا کنند. این تبلیغات شامل اتهام تحجر، عقب‌ماندگی و قدیمی‌بودن دین و همچنین ادعاهای بی‌ارتباط و جهل درباره دین مبین اسلام بوده است. این تفکر نه‌تنها توسط دشمنان اسلام و مروجان تفکر سلطه، بلکه توسط برخی مسلمانان هم رواج یافته است. این امر باعث ایجاد مشکلات اجتماعی و نابسامانی‌های فراوان در جوامع اسلامی شده است و آنان را از رسیدن به اهداف بلندشان که در گذشته صاحب فرهنگ و تمدن بودند، بازداشته است.

امام خمینی علیه السلام معتقدند دین نقش مهمی در زندگی انسان دارد و از جوانب مختلف شامل سعادت دنیا و آخرت، تعالیم مادی و معنوی و ... است. ایشان می‌کوشند تفکرات جدایی دین از سیاست را برطرف کنند و اسلام را از حوزه‌های علمیه به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی گسترش دهند. ایشان با دستیابی به فهم صحیح این امور، به ترویج ایده‌ها و اهداف جهانی دین و مباحثی مانند جامع‌بودن دین و ناتوانی رقیبان آن می‌پردازند. این اقدام‌ها به منظور احیای دین اسلام و پیشبرد اهداف آن انجام می‌شود.

در این راستا حضرت امام علیه السلام در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود به جنبه‌های این مهم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است، نمی‌تواند در عصر

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۳/۱۴، در:

حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیاست و آن مخالف مسلک انبیای عظام است. و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.^۱

مقام معظم رهبری درباره این مبنای امام علیه السلام به بیان خاطره‌ای در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۸۴ می‌پردازند که نشان‌دهنده این مبنای سیاسی امام علیه السلام است. ایشان در این دیدار می‌فرمایند:

بنده می‌خواستم در یکی از مجامع بین‌المللی شرکت کنم. مطالبی فراهم کرده بودم، بردم خدمت ایشان [امام علیه السلام] دادم. معمولاً اگر می‌خواستم در جایی نطقی داشته باشم، می‌دادم ایشان نگاهی بکنند. ایشان مطالب سخنرانی من را نگاه کردند و بعد از دو - سه روز آن را به من برگرداندند و در حاشیه‌اش چند نکته نوشته بودند؛ یکی از آنها این بود که راجع به عدم تفکیک دین از سیاست هم در آنجا صحبت کنید. من اول تعجب کردم. در عین حال رفتم چند صفحه درباره همین نکته نوشتم و به متن سخنرانی اضافه کردم. در آن اجتماع بین‌المللی حدود صد کشور شرکت داشتند. من این متن را در آنجا خواندم و خودم ملتفت شدم که نقطه اساسی و اصلی و جذاب نطق که برای همه آنها تازه و مهم بود، همین قسمت بود؛ درحالی‌که مثلاً فکر می‌کردم بقیه مطالب چون لفظ و معنای آن سنجیده انتخاب شده، قشنگ‌تر است؛ اما بعد دیدم این قسمت مهم‌تر بوده است. اینکه انسان در منبرهای درجه یک جهان روی عدم تفکیک دین از سیاست متمرکز شود، یعنی درست سر اصل مطلب رفته است. کسانی هستند که از

دهان دشمن حرف می‌زنند؛ "وان كان التَّاطِق ينطق عن لسان ابليس". عده‌ای در داخل کشور ما راجع به جدایی دین از سیاست قلم‌فرسایی می‌کنند. چند قرن در کشور ما جدایی دین از سیاست، یک واقعیت بوده است؛ امام آمد این ورق را برگرداند و در دنیا این فکر را فریاد کرد.^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، قم: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۵.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۱.
۳. پاک‌نیا، عبدالکریم، «امام خمینی علیه‌السلام از منظر دانشمندان جهان»، مبلغان، ش ۲۹، ۱۳۸۱.
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی، ۱۳۷۵.
۵. _____، خاطرات و حکایت‌ها، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰.
۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۰.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸.
۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، [بی‌تا].

سایت

سایت مقام معظم رهبری

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه‌السلام،

در: ۱۳۸۴/۳/۱۰،